

سال های متمادی است که نهادهای بین المللی خشونت علیه زنان را مورد توجه قرار داده‌اند. این توجه به تدوین کنوانسیون هایی انجامیده است که طی این سال ها کشورهایی که در گیر با این آسیب های اجتماعی هستند با پیوستن به آنها سعی نموده‌اند با خشونت علیه زنان مقابله کنند. فارغ از اینکه در ایران برای پیوستن به هر کنوانسیونی از این دست مقاومت هایی وجود دارد که مانع از الحاق ایران به آنها می شود، در قوانین ایران نیز ظرفیت هایی برای این مقابله وجود دارد. قوانینی که با زنان خشونت دیده نسبت به آن آگاهی کافی را ندارند و یا اگر هم دارند، به دلیل فقدان امنیت، نسبت به کارآمدی آنها به حدی تردید دارند که عطای شکایت را به لقایش ترجیح می دهند و با خشونت ها علیه خود به همزیستی و سازگاری می رسند. در واقع نه خانه های امن و نه تلفن هایی که برای کمک به آنها در نظر گرفته شده نیز هیچ یک کارایی لازم را از حیث تامین امنیت آنها پس از شکایت ندارند. به همین دلیل هم هست که بسیاری از زنانی که اقدام به شکایت از افراد خانواده به خاطر خشونت می کنند، در همان ابتدای کار شکایت خود را پس می گیرند. در واقع ظرفیت های قانونی موجود و تمهیدات موسمی هیچ یک نتوانسته از میزان خشونت علیه زنان در ایران بکاهد و باز هم به همین دلیل است که در بحران هایی نظیر کرونا این خشونت ها روندی مضاعف به خود می گیرد. اما همان طوطی که در نوشته های پیشین به آن پرداخته ام، صورت مسأله خشونت علیه زنان و قتل های ناموسی در ایران به تنهایی فقدان قوانین و حمایت های لازم از زنان خشونت دیده نیست. بخشی از مسأله به بازتولید فرهنگ بر می گردد. این فرهنگ در آموزه های رسمی و غیر رسمی ما مدام در حال بازتولید است. فرهنگی که زن را به کالایی در اختیار مرد مبدل می سازد که برای حفظ آن به نفع خود می تواند از قدرت خود استفاده کند. از همان ابتدا که دختران و پسران ما خواندن و نوشتن می آموزند این تفکیک ها و تبعیض ها به آنها آموزش داده می شود. «آین مرد با اسب آمد» در مقابل: «مادر آیدگوش می پزد»، «دارا با من و تخته میز می سازد» در مقابل «سارا با سوزن دامن می دوزد» و... این تمایز و قدرت برتر سازی جزئی از فرهنگ و باورهای جامعه ایران شده است و در تمامی مراحل آموزش های رسمی نیز تکمیل می شود. در آموزش های غیر رسمی نیز این فرهنگ سازی با شدت و قدرت بیشتری ادامه پیدا می کند. خانواده های را به تلویزیون دعوت می کنند که هنر مرد اعمال خشونت علیه همسر خود است و حسن زن نیز کوتاه آمدن و کنار آمدن با این خشونت است. تربیون های رسمی و فراگیر ترین رسانه دپداری ما گاه رسماً خشونت علیه زنان را عادی سازی می کند و تمامی این تصاویر در کوتاه مدت و درازمدت یک واقعیت را به زنان و مردان ایران القا می کند: مرد جنس اول است. در نهادهای قدرت نیز حضور آنها به رسمیت شناخته نمی شود. قانون نویس و مدیر برنامه ریز و برنامه نویس و سیاستگذار و... ما که همگی مردان هستند نیز در همین ساختار آموزشی تربیت یافته اند. مقاومت ها در برابر قوانینی که به دنبال رفع تبعیض ها علیه زنان دیده می شود نیز ناشی از همین فرهنگ است که متأسفانه از دین نیست به شرایط برای این مقاومت وام می گیرد. این در حالی است که نواندیشی دینی به همه این برداشت های غلط از دین پاسخ داده است. خشونت همسر مونا حیدری نیز حاصل همین آموزه های غلط است که به او مجوز سلاخی همسر (ناموش) را می دهد. مرگ دلخراش مونا اگر تغییری در رویکرد و نگاه متولیان کشور برای رفع کلیه اشکال حقوقی و کلیشهای تبعیض علیه زنان نداشته باشد، به طور قطع تأثیری هم در کاهش قتل های ناموسی و خشونت علیه زنان نخواهد داشت و تا تکرار قتل ناموسی دیگر به فراموشی سپرده خواهد شد.

دریچه

سید رضا اکرمی:

قیمت ها ترمز بریده، کسی هم جوابگو نیست

یک عضو جامعه روحانیت مبارز در ارزیابی خود از روند بررسی لایحه بودجه در مجلس اظهار کرد: نمایندگان باید به سه مطلب توجه کنند: نکته اول وضعیت موجود است که هم کرونا را داریم و هم نمایندگان در گیر آن شده اند که همین امر سبب می شود نسبت به بررسی بودجه سرعت عمل بیشتری بخشد. بود تازودت تکلیف آن مشخص شود. حجت الاسلام و المسلمین سیدرضا اکرمی گفت: نکته دوم وجود تحریم ها و نیز اوضاع و شرایط منطقه است که به ما نشان می دهد لازم است در چنین اوضاع و احوالی از شعارها دوری کنیم و واقع گرا و حقیقت گرا عمل کنیم. این امر باید در بررسی بودجه که برنامه دولت برای سال آتی است نیز در نظر گرفته شود. وی با تأکید بر اینکه ما همه می خواهیم عدالت حاکم باشد و ظلمی در کار نباشد، تصریح کرد: اما باید بدانیم که این آرزو و آمان است. باید حقیقت و واقعیت را هم ببینیم و بدانیم که میان آنچه ما آرزو می کنیم و آنچه در عمل رخ می دهد فاصله بیشتر از این حرف ها است. پس نمایندگان هم در بررسی بودجه شعارها را کنار بگذارند و به واقعیات توجه کنند. اکرمی با تأکید بر اینکه در بررسی بودجه باید ظرفیت های کشور مورد توجه قرار گیرند، یادآور شد: کشورمان ظرفیت تجاری و صنعتی و کشاورزی بسیار دارد. برای استفاده از این ظرفیت ها باید بخش خصوصی را تقویت کرد و به کار گرفت و به آن میدان داد و با اقتصاد دولتی و نفتی جواب لازم به دست نمی آید و ظرفیت های به درستی به کار گرفته نمی شوند. نماینده اسبق مجلس تصریح کرد: آنکه سرمایه و ثروت و استعداد دارند باید به میدان اقتصاد بیایند و دولت هم از آنها حمایت کند و با هدایت و نظارت بر آنها نقش خود را ایفا کند. در غیر اینصورت با شعار و سخنرانی کار بیش نمی رود. وی با انتقاد از روند افزایش قیمت ها در کشور اظهار کرد: در کشور همه چیز ترمز بریده است از قیمت کالاهای گرفته تا هزینه خدمات و مایقی مواد. قیمت ها به سرعت بالاتر می روند و کسی هم جوابگو نیست. عضو جامعه روحانیت مبارز با بیان اینکه نمایندگان به جای نیش قبر گذشته به فکر وحدت و پیشرفت آینده باشند، بیان کرد: گاهی نمایندگان نقیض می کنند و به کسانی می تازند و بر آنان خرده می گیرند که نیستند تا جوابشان را بدهند و از خود دفاع کنند در حالی که این تندی ها و نیش قبر کردن ها فایده ای به حال کسی ندارد.

دکتر امان... قرائی مقدم در گفت وگو با «آرمان ملی»:

ریشه قتل های ناموسی

تعصبات است نه مشکلات اقتصادی

جامعه با بحران معنویت مواجه شده است

قانون باید در باره قتل های ناموسی تغییر کند

خشونت علیه زنان شکل مدرن پیدا کرده است

قتل های ناموسی ریشه در رسوبات فرهنگی جامعه دارد



آرمان ملی – احسان انصاری: قتل های خشونت بار ناموسی همچنان در کشور ادامه دارد و به تازگی یکی از این قتل ها که در اهواز رخ داده با واکنش های زیادی مواجه شده است. «آرمان ملی» برای بررسی ابعاد مختلف این قضیه و دلایل خشونت علیه زنان با دکتر امان... قرائی مقدم جامعه شناس گفت وگو کرده است. وی معتقد است: «قتل های ناموسی در گذشته بیشتر بوده و امروزه کمتر شده است، اما به خاطر گسترش رسانه ها و شبکه های اجتماعی، این قبیل اتفاقات بیشتر مورد توجه قرار می گیرد. سنت های غلط باعث می شود مردان فکر کنند صاحب زنان هستند. بسیاری از مردان که در شهر های کوچک این پدیده بیشتر است. در اتفاق اخیر اهواز متأسفانه اصل موضوع به حاشیه رفته و مسئولان به دنبال بر خورد با انتشار دهنده این فیلم بودند.» در ادامه ماحصل این گفت وگو را می خوانید.

حرف نکردند.

چرا اغلب خشونت های خشن

در جامعه ایران علیه زنان صورت

می گیرد؟ ریشه های تاریخی این موضوع

کجاست؟

خوزستان بیشتر کارها از جمله کاشت، داشت و برداشت و فروش تولیدات بر عهده زنان است. در برخی موارد حتی پسر و دختری که باهم رابطه داشته اند را به بدترین نوع خشونت پاسخ دادند. قانون دیگری نیز به نام «فصل» وجود دارد.

راه حل پایان دادن

به این آداب و رسوم

فرهنگی که قربانیان

زیسادی می گیرد

چجست؟ در این زمینه

چه راهکاری پیشنهاد

می کنید؟

راه حل این مشکل را باید

از مسیر فرهنگی جستجو

کرد. مسائل فرهنگی باید با

راه حل های فرهنگی مورد

بررسی قرار بگیرد و به نتیجه

برسد. نمی توان از راه های

دیگری برای مشکلات

فرهنگی جامعه نسخه

پیچید. بدون تردید در چنین

شرایطی نمی توان به نتیجه

دست پیدا کرد. این قتل های

ناموسی در گذشته بیشتر

بوده و امروزه کمتر شده

است، اما به خاطر گسترش

رسانه ها و شبکه های

اجتماعی، این قبیل

اتفاقات بیشتر مورد توجه

قرار می گیرد. سنت های

غلط باعث می شود مردان

فکر کنند صاحب زنان

هستند. بسیاری از مردان

خشونت های مختلفی

علیه زنان را به اسم غیرت روا می دارند که

در شهر های کوچک این پدیده بیشتر است.

در اتفاق اخیر اهواز متأسفانه اصل موضوع

به حاشیه رفته و مسئولان

به دنبال بر خورد با انتشار

دهنده این فیلم بودند. در

ذهن کسانی که چنین

جنایاتی مرتکب می شوند

زن جزئی از اموال مرد به

شمار می رود. این تفکرات

در ذهن مردان رسوب کرده

است. به همین دلیل

باید از مسیر فرهنگی

این تغییرات ایجاد شود.

راه حل دیگر در این زمینه

قانون است و تغییر قانون

در این زمینه می تواند

تا حدودی این مشکل را

حل کند. هر چند تازمانی

که ریشه های فرهنگی این

مسئله وجود دارد. در

توجه کنیم در این ماجرا پدر که دختر خود را

کشته بود تنها به هفت سال زندان محکوم شد

که این حکم جای سؤال و تردید های زیادی

دارد. به نظر می رسد قاتل اصلی این دختر

چنین قوانینی است و قاتل با علم به چنین

قوانینی مرتکب چنین جنایتی شده است.

ریشه این گونه جنایات را فرهنگی می دانم و

معتقدم برخلاف دیدگاه کسانی که ریشه این

جنایت ها را اقتصاد و خشونت می دانند چنین

نیست باید ریشه این اقدامات را در آداب و رسوم

و فرهنگ جستجو کرد. قتل های ناموسی

در این مناطق فقیر و غنی ندارد و ارتباطی

مستقیمی به وضعیت اقتصادی ندارد. در

بسیاری از این جنایت ها قاتل یا قاتلین گمان

می کنند اگر مرتکب چنین جنایتی نشوند

حیثیت و اعتبار عشیره از بین می رود. در

نه تنها با گذشت

زمان، خشونت و

پر خاشاگری علیه

دختران و زنان به

عنوان یک مسأله

حاد اجتماعی، باقی

است، بلکه خشونت

مردن، با مصادیق

و وجوه جدیدی،

مطرح شده است.

به همین دلیل باید

کوشش کرد تا هم

از طریق حقوقی و

قانونی و هم از راه

تعلیم و تربیت و

بازنگری در ارزش ها

و هنجارهای سنتی

و فرهنگی منحنط، از

دامنه فجایع وخیم

خشونت علیه زنان،

جلوگیری به عمل

آورند.

علاوه بر آن سطحی نگری، طرح مکرر مصادیق و نمونه های خشونت در رسانه ها، فضای هجیان آفرین مطبوعاتی، قوانین تبعیض آمیز و تفکر رایج زن ستیزی که عمدتاً بر خاسته از سنت ها است و نمی توان با آن مقابله کرد و...، الگوهای

خشونت را در جامعه ترویج می دهند و در نتیجه، انتخاب راهکار، تعلیق به محال می شود. زیرا باید علت و ریشه خشونت علیه دختران و زنان را در فرهنگ و سنت و اعتقادات و باورها و همچنین خصوصیات شخصیتی مردان و شوهران، میسران تحصیلات، پایگاه طبقاتی، میزان درآمد، پایگاه شغلی، محل سکونت، تربیت خانوادگی و نحوه پرورش کودک در دوران نوزادی وارده فرهنگ های رایج در آن منطقه و... جستجو کرد.

چرا که

این زمینه دارد؟

به نظر می رسد آنچه از

همه مهم تر است فرهنگ

حاکم بر خانواده و جامعه

و پنهان نگهداشتن اسرار

درون خانواده و به حقوقی که

فرهنگی، حقوقی، روحی و

روانی، جلوگیری از اختلافات

خانوادگی، قصور و اهمال حکومت ها و کم

توجهی مراجع قضائی و انتظامی، سوابق دوران

کودکی، رسانه های جمعی و از همه مهم تر

«بحران معنویت» در جامعه است. به منظور

مقابله با خشونت علیه دختران و زنان و همسر

آزادی، اقدامات، توصیه ها و راهکارهایی زیر

بنظر می رسد: اقدامات قانونی و حقوقی که

خوشبوختانه اخیراً به تصویب رسید و اقدامات

عملی قتل نفس در این مورد، فرهنگ سازی و

آگاهی بخشی به وسیله: آموزش و پرورش خاص

عاشقانه و راهنمایی به شکل فردی و گروهی،

مذاکره و راهکارهای جسمی،

مذاکره اقتصادی و روحی و روانی و

غیره که: از خشونت نسبت

به آنها نه تنها، تندرستی،

سلامت عقل، تعادل عاطفی

و روانی آنها را به خطر

می اندازد، بلکه موجب بروز

انواع آسیب های اجتماعی

در این گونه خانواده ها

و جامعه می گردد و زیان و

صدمات فراوانی در جامعه

به بار می آورد و دولت ها و

نهادهای دولتی و غیر دولتی

را با مشکلات گوناگون

اقتصادی، فرهنگی و خدماتی

درگیر می کند. تاجایی که

در بسیاری موارد این نهادها

قادر نیستند، بهای سنگین

آن را بپردازند. در نتیجه

دور باطل فرهنگ تشدید و

تقویت می شود. خشونت علیه

زنان و دختران، فقط خانگی

نیست، بلکه در دو حوزه؛

خصوصی و عمومی، بر آنان

اعمال می شود و شکل هایی به خود می گیرد

که با ساختار اجتماعی، قانونی، فرهنگی و

سنتی، دینی اقتصادی و سیاسی همان جامعه،

متناسب است و در یکدیگر تأثیر متقابل دارند.

زمینه است.

فرا رو

حسن هانی زاده:

بحران سیاسی جدید

در عراق انتخاب رئیس جمهور

و نخست وزیر است

یک کارشناس مسائل منطقه درباره فرایندهای سیاسی عراق برای انتخاب رئیس جمهور و نخست وزیر این کشور گفت: در حال حاضر اختلاف نظر بین جریان صدر و هیات هماهنگی احزاب شیعه از مدت ها پیش بر سر انتخاب نخست وزیر و رئیس جمهور شدت گرفت به دلیل اینکه جریان مقتدا صدر تلاش دارد با توجه به اینکه اکثریت پارلمان را به دست آورده دولت و ریاست جمهوری را هم در اختیار داشته باشد و به نوعی انتخاب رئیس جمهور و نخست وزیر را مدیریت کند. حسن هانی زاده بیان کرد: وی افزود: با توجه به اینکه اختلاف نظر بین این جریانات وجود دارد در حال حاضر کردها و شیعیان برای انتخابات ریاست جمهوری دچار اختلافات زیادی شده اند و همین مسأله باعث به تعویق افتادن پروسه انتخاب رئیس جمهور و نخست وزیر شده است. البته فرصت قانونی رو به پایان است. این کارشناس مسائل منطقه خاطرنشان کرد: بحران سیاسی جدیدی دامن گیر عراق شده و اگر در فرایند زمانی دو هفته رئیس جمهور و نخست وزیر بیشتر نشوند مشکلات زیادی پیش روی پارلمان جدید و احزاب سیاسی و همین طور کشور وجود خواهد داشت. هانی زاده همچنین اظهار کرد: برای صدر در تلاش است تا الگایم برای بست نخست وزیری در قدرت بماند. از طرف دیگر کردها هم در مورد معرفی رئیس جمهور با مشکل مواجه شده اند و حزب دموکرات به دنبال روی کار آوردن هوشیار زیباری است اما با توجه به عملکردی که او در گذشته داشته به نظر می رسد شانس کمتری داشته باشد. ضمن اینکه اتحادیه میهنی کردها نیز در تلاش برای انتخاب برهم صالح برای ریاست جمهوری است. وی تصریح کرد: بنابراین این مشکلات طولانی را ایجاد کرده و امکان دارد به نتیجه خوبی هم نرسد و این وضعیت همچنان ادامه داشته باشد. هانی زاده تأکید کرد: بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای نقش زیادی در تحولات عراق دارند به ویژه آمریکا که سعی می کند مدیریت سیاسی را به عهده بگیرد.

دیدگاه

تورم هزینه زندگی کارگر

پرداخت شود

ادامه از صفحه اول / این عددی که شورای عالی کار اعلام کرده برای خانواده ۳.۳ نفره است. ضمن اینکه ما در آذرماه تورم بیشتری نسبت به دی ماه داشتیم و اگر این عدد بهمن ماه جمع بندی می شد، به عدد بیشتری می رسیدیم اما با توجه به اینکه سال گذشته در دی ماه عددی را بسته بودیم چون می خواستیم گزارش خوبی بگیریم، امسال هم همان تورم دی ماه معیار جمع بندی قرار گرفت. معیار ماده ۴۱ قانون کار، تبصره ۱ این قانون می گوید تورم ملاک افزایش دستمزد است. اکنون حدود ۴۰ درصد تورم وجود دارد، البته ممکن است کارفرما با دولت اعلام کند تورم سید نسبت به سال گذشته حدود ۳۰ درصد است. این ۳۰ درصد هزینه زندگی است یعنی ۳۰ درصد عمیلون و ۹۰ هزار تومان سال گذشته می شود، همان عددی که اختلاف دو سید ما است اما بیش از ۲ میلیون است این نکته را که در نظر بگیریم که باید تورم هزینه زندگی لحاظ شود نه تورم بر حقوق سال گذشته معیار باشد. این باعث می شود ما هر سال اختلاف را بیشتر شود. ملاک اول ما با توجه به تأکید ماده ۴۱ قانون، همان تبصره ۲ است. تبصره ۱ عنوان کرده است که دستمزد باید با توجه به تورم تعیین شود و تبصره ۲ گفته است باید دستمزد هزینه زندگی را پوشش دهد. ما اولویت مان تبصره ۲ است و تبصره ۱ وقتی بر هزینه زندگی تأثیر مثبت بگذارد، ملاک است. عددی که کارگرا هم توافق کرده باشند ملاکشان بر اساس سید معیشت است و دولت باید اعلام کند در چه بازه زمانی سید هزینه زندگی ما را می کند. هر عددی که کف خواسته کارگران که حداقل خواسته کارگر است. اولویت ما در تعیین دستمزد، سید معیشتی است.